

علل وموجبات جرم و راهبردهای مقابله با آن در نهج البلاغه

عبدالجبار زرگوش نسب*

حشمت اله عباسی**

چکیده

این پژوهش به علل وموجبات جرایم از منظر نهج البلاغه و راهبردهای مقابله با آن پرداخته است. مطالعه سیاست‌ها و روش مبارزه آن امام با این ناهنجاری‌ها از آن جهت حایز اهمیت است که می‌تواند ملاک عمل موثری برای سیاست‌جنایی کشورهای باشد که داعیه حکومت اسلامی دارند. از آنجایی که نظام جمهوری اسلامی ایران نیز در بیشتر موارد، نظام حکومتی حضرت امیر را الگوی رفتارها، سیاست‌ها و برنامه‌های خود قرار داده است بی‌تردید برای حرکت بهتر در زمینه پیشگیری از جرم، بررسی وتحلیل اندیشه ایشان در این زمینه بسیار کارگشا خواهد بود. از این رو با رجوع به نهج البلاغه می‌توان اندیشه‌های این امام را در زمینه پیشگیری از جرایم، به دست آورد. یافته‌های به دست آمده نشان می‌دهد که تحقق عدالت اجتماعی، حقوق‌مداری، حفظ کرامت انسان، واصلاح فرهنگ عمومی از مهمترین راهبردهای مقابله با جرم است. پژوهش حاضر با شیوه توصیفی تحلیلی به مطالعه موضوع پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: نهج البلاغه، جرایم، امام علی(ع)، راهبردها.

* دانشیار دانشگاه ایلام، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی (نویسنده مسئول)، a.zargooshnasab@ilam.ac.ir

** کارشناس دفتر حقوقی، دانشگاه ایلام، h.abasi@ilam.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۲۴

۱. مقدمه

جرم در لغت به معنای گناه است (فیومی، ۱۳۴۷: ۱/۱۲۰) در اصطلاح عبارتست از: انجام دادن فعل یا گفتن قولی است که شارع مقدس آنرا منع کرده است. به عبارت دیگر افعال و اقوالی جرم تلقی می‌شوند که مغایر با احکام یا اوامر و نواهی باری تعالی باشند (ولیدی، ۱۳۷۲: ۴۸). امام خمینی (ره) جرم را شامل هر فعل حرام یا ترک واجب قابل مجازات دانسته اند، ایشان فرموده: ((هر کس یکی از واجبات را ترک کند و یا یکی از محرّمات را انجام دهد به امام (ع) یا نائب اوست وی را به کیفر تعزیر برساند به شرطی که فعل حرام از گناهان کبیره باشد)) (امام خمینی، بی تا: ۴۷۷/۲).

در کتاب (التشریح الجنائی) آمده: جرم عبارت است از هر فعل یا ترک فعلی که شارع مقدس به حرمت آن تصریح کرده (عوده، ۱۴۰۲: ۱۴۰/۲) در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی در بیان اوصاف جرم آمده است: ((هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم تلقی می‌شود)).

حضرت علی (ع) در دوران حکومت خود سیاستهایی برای مقابله با بزه کاری و ناهنجاری های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اتخاذ نموده که اسوه برای جهانیان است. می‌توان رویکردهای جرایم و اقدامات در مقابل پدیده‌ی بزهکاری به دو گروه طبقه بندی کرده: نخست اقداماتی که با هدف پیش‌گیری از جرایم بالقوه صورت می‌گیرد، و دیگری واکنش نسبت به اعمال ارتكابی در گذشته که مبنای تصمیم قاضی قرار می‌گیرد. پیش‌گیری غالباً با سه امر مرتبط است: بزه کار، بزه دیده و اوضاع و احوال و محیط ارتكاب جرم، بزه کار به عنوان محور اصلی جریان وقوع عمل مجرمانه در طول تاریخ. هدف این تحقیق، استخراج موجبات جرایم و راهکارهای مقابله با آن در نهج البلاغه است.

۱.۱ بیان مسئله

این پژوهش که مبتنی بر اندیشه های امیرالمؤمنین (ع) در نهج البلاغه می‌باشد، در صدد آن است که با توجه و تأکید بر سیاست آن حضرت که از سیره ایشان قابل استنباط است، راهبردها و راهکارهای مقابله با جرم را تحلیل و بررسی نماید. سؤالاتی که این تحقیق در صدد پاسخ به آنها است عبارتند از:

علل وموجبات جرم و راهبردهای مقابله با آن در نهج البلاغه ۳

موجبات سیاسی جرم و راهبردهای مبارزه با آن از منظر نهج البلاغه چیست؟ چه راهبردهایی در مقابله با جرایم در نهج البلاغه وجود دارد؟

۲.۱ پیشینه تحقیق

از جمله تحقیقاتی که به نوعی مرتبط با موضوع مطرح شده است:

الف. مقاله ی ((آزادی سیاسی واجتماعی از دیدگاه نهج البلاغه)) نوشته علی اسدنیاء (1390) نویسنده در این مقاله جایگاه آزادی های سیاسی واجتماعی را از دیدگاه امام علی در نهج البلاغه مورد بررسی قرار داده ومعتقد است که این مهم به عنوان یکی از مهم ترین مبانی حکومتی حضرت مطرح است.

ب. مقاله ی ((نقش مردم در حکومت از دید نهج البلاغه)) نوشته محمد صدقی (1389) نویسنده در این مقاله جایگاه مردم را در جامعه اسلامی از دیدگاه امام علی مورد بررسی قرار داده است. از مهم ترین مباحثی که به آن پرداخته: لزوم حکومت از دیدگاه امام علی؛ مردم از منظر حکومت امام علی وجایگاه حکمرانان در جامعه اسلامی. از دیدگاه نویسنده، وجود حکومت در جامعه از دیدگاه نهج البلاغه یک ضرورت است و بدون آن هیچ گونه تعالی امکان پذیر نیست.

۳.۱ ضرورت واهمیت پژوهش

باتوجه به خط ومشی حضرت علی(ع) در تشکیل ونحوه اداره حکومت اسلامی، بهترین الگو برای سیاستمداران ورهبران جوامع اسلامی بوده است؛ لذا بررسی واستخراج موجبات سیاسی جرم وراهبردهای مبارزه با آن در نهج البلاغه ضرورتی اجتناب ناپذیر ودارای اهمیت به سزایی است.

۲. علل وموجبات جرم در نهج البلاغه

این مبانی به شرح زیر مورد بررسی قرار می گیرند:

۱.۲ فتنه و آسیب های آن

به نظر حضرت در نهج البلاغه فتنه ها هنگامی که روی می آورند شبیه حق می باشند و آنگاه که می روند و به پایان می رسند، حقیقت خود را می نمایانند و هوشیار می سازند. ناشناخته می آیند و شناخته شده می روند هم چون گردباد می گردند و شهری را ویران می کنند و شهری را وامی گذارند. (خطبه/۹۳) به حارث توصیه می کند که حق را بشناسد تا اینکه اهلش را بازشناسد، و باطل را نیز بشناسد تا اینکه هر که را بدان سو برود بشناسد. (حکمت/۲۶۲). از دیدگاه امیر المؤمنین، شناخت فتنه و ویژگیهای آن از مهم ترین مسائل اجتماعی هر جامعه به شمار می آید بدون این شناخت امکان هیچ نوع راه حل و ریزی از فتنه وجود ندارد. در جامعه شناسی متداول امروز، واژه ای به نام فتنه یا مشابه آن که خاص فرهنگ قرآنی و اهل بیت (ع) است، دیده نمی شود، اما مفاهیم و اصطلاحاتی وجود دارد که می تواند نمایانگر برخی از ابعاد فتنه باشد از جمله گسست فرهنگی، تاریخی و ایدئولوژی، فردگرایی افراطی، کاهش روح تعاون، کاهش انسجام اجتماعی و اختلاف میان کارگزاران در سطوح نظری و برنامه ریزی و اجرایی (باباپور گل افشانی، ۱۳۸۵: ۱۶) از سخنان حضرت (ع) به دست می آید که زمینه ها و شرایط اصلی فتنه در جامعه، پیروی از هوس های نفسانی مانند جاه طلبی و دنیا دوستی و نیز بدعت در دین خداست و ابراز اصلی فتنه گران برای ایجاد فتنه در جامعه امتزاج حق و باطل است. هرگاه مرز حق و باطل در اذهان مردم و افکار عمومی دچار تزلزل گردد و اختلاط میان حق و باطل حاصل شود، بنای فتنه در جامعه پی ریزی می شود.

۲.۲ فقر، فساد و رانت های اجتماعی

فقر، فساد اقتصادی و رانت های اجتماعی از موجبات و منشأ جرایم گوناگون است؛ لذا مقابله با آنها اهمیت به سزایی دارد. آن چه که امروزه با عنوان فقر و فساد و انحصارات گروهی و یا رانت خواری رایج است، از نظر حضرت علی (ع) مطرود است و باید با آن مبارزه شود، و برای عدالت اجتماعی - به معنای فراهم کردن فرصت های مساوی برای آحاد جامعه در راستای رشد و تعالی - به شدت تلاش کرد، در بینش و منش حکومتی حضرت علی (ع) گرایش های جناحی و حزبی در برابر مصالح و منافع ملی رنگ می بازد و در توزیع عادلانه امکانات اقتصادی جهت برابر کردن فرصت ها تلاش می شود. در شیوه حکومت امام (ع) توجه به مبارزه با فقر و فساد و رانت های اجتماعی، جایگاه رفیعی را به خود اختصاص داده است. حضرت در این باره می فرماید:

علل و موجبات جرم و راهبردهای مقابله با آن در نهج البلاغه ۵

اگر این بیعت کنندگان نبودند و یاران، حجت بر من تمام نمی کردند، و خدا علما را نفرموده بود تا ستمکار شکم باره را بر نتابند و به یاری گرسنگان ستمدیده بشتابند، رشته ی این کار (حکومت) را از دست می گذاشتم و پایانش را چون آغازش می انگاشتم (نهج البلاغه، خطبه ۳)

در حالی که در نظام های غیر دینی، تبعیض، باند بازی و دهان ها را با لقمه بزرگ بستن و دوختن، همواره ابزار لازم سیاست قلمداد شده است، در نظام حکومت علوی مهم ترین دشمنی ها با این مفاهیم و مقولات است هدف و ایده اش مبارزه با این نوع سیاست بازی هاست، و کار حکومت بر مدار عدالت و تساوی همگان در حقوق و نفی تبعیضات نژادی، زبانی و اقتصادی و نسبی است (عظیم، ۱۳۹۰: ۶۰).

در مقابله با رانت های اجتماعی و رعایت حقوق عمومی از سوی حضرت به ویژه در مورد نزدیکان خود، شاهکار حکومت مردم سالار علوی است. برخورد قاطعانه آن حضرت با عقیل برادر نابینایش شاهد آن است عقیل که درخواست یک من گندم از بیت المال را برای گذران امور زندگی فقیرانه خود داشت با آهن گذاخته برادر مواجه شد، و چنان فریاد برآورد که بیمار از سنگینی درد به ناله افتد. حضرت به او فرمود: ((نوحه گران در سوگ تو بگریند، آیا از آهن پاره ای می نالی که انسانی به بازیچه آن گرم ساخته اما تو مرا به آتشی می کشانی که خدای جبارش به خشم گذاخته است)) (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴) و نیز داستان برخورد با دخترش زینب (س)، آن گاه که از علی بن ابی رافع (نگهبان بیت المال) گردن بندی را برای عید قربان به عاریه مضمونه گرفته بوده بسیار تکان دهنده و عبرت آموز است که حضرت فرمود:

ابن ابی رافع همین روز باید آن را پس گیری و به جای خود بگذاری، و اگر بعد از این چنین کنی کیفر سختی خواهی شد، و چنان چه دختر من زینب آن گردن بند را به رسم عاریه مضمونه نگرفته بود، اولین زن هاشمی بود که دست او را به جرم سرقت می بریدم (مجلسی، ۱۳۸۳: ۳/۵۰۳)

حضرت همچنین می فرماید: ((نه کسی که در داوری رشوه می ستاند، تا رشوه گیرنده حقوق مردم را از میان برده و در بیان احکام و حدود الهی توقف نماید)) (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱)

حضرت در خطاب به امیران لشکر نوشته است ((آنان که پیش از شما بودند هلاک شدند، زیرا مردم را از حقشان محروم نمودند تا آن را با دادن رشوه به دست آوردند. مردم را به راه

باطل کشانیدند و مردم هم از پی ایشان رفتند)) (نهج البلاغه، نامه ۷۹). امام (ع) به کارگزاران خود چنین آموزش داده است:

پس داد مردم را از خود بدهید و در برآوردن حاجتهای آنان شکیبایی ورزید، که شما خزانه دار رعیت هستید، اامت را وکلا، وامامان را سفیران. حاجت کسی را ناکرده مگذارید، و او را آن چه مطلوب اوست بازمدارید (نهج البلاغه، نامه ۵۱).

از دیدگاه امام علی (ع) در نظام اداری آن چه باید در رأس مناسبات و روابط و رفتارها حاکم باشد، حرمت نگه داشتن مردم و پاسداری از حقوق ایشان است. ایشان معتقد است این دریافت که هر کس در هر مرتبه ای از نظام اداری در جایگاهی قرار گرفته است که بتواند پاسدار حقوق مردم و حافظ حرمت‌هایشان باشد، تلقی اشخاص را در رویارویی با نعمت مسئولیت و به کارگیری آن در جهت خدمت به انسانها تصحیح می نماید، و در این صورت است که یک نظام اداری مبتنی بر اخلاق انسانی ظهور می کند و در این مسیر پایدار می ماند. از سوی دیگر، در روش مدیریتی حضرت، تأکید بسیاری بر ارتباط دائمی حاکم و خداوند صورت گرفته است تا حاکم بتواند ارزشهای معنوی را در جامعه پیاده کند. ایشان می فرماید:

بر عهده تو کارهاست که خود باید انجام دهی برای آن چه میان تو و خداست، نیکوترین اوقات و بهترین ساعات را بگذار، هر چند همه کارها در همه وقت برای خداست، اگر نیت درست باشد و رعیت را از آن آسایش بوده (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

۳.۲ تجمل گرایی

تجمل گرایی به عنوان یکی از مهم ترین آسیب های جامعه اسلامی مطرح است. از دیدگاه امام علی (ع)، زندگی مادی و شخصی رهبران و مدیران باید به دور از تجمل و همانند زندگی مردم ضعیف باشد. در این صورت بینش صحیح و واقع گرایانه ای از جامعه پیدا کرده و تصمیمات و سیاست هایی اتخاذ می کنند که بتوانند رفاه اقتصادی نسبی را در جامعه ایجاد کنند در غیر این صورت، جامعه دچار تهدیدات اساسی خواهد شد (طاهری، ۱۳۸۸: ۸۹).

از دیدگاه حضرت، تجمل گرایی زمینه ساز شکاف اساسی در روابط میان مدیران و مردم عادی می شود و آنان نمی توانند به راحتی مشکلات خود را با مدیران در میان بگذارند از سوی دیگر، امام معتقدند که این عامل (تجمل گرایی) زمینه ساز نفوذ شیطان در دلها و دوری از خدا می شود و انسان را از رسیدن به سعادت دور خواهد کرد.

علل وموجبات جرم و راهبردهای مقابله با آن در نهج البلاغه ۷

امام علی(ع)، همواره این مهم را به عنوان یکی از آفت های جامعه اسلامی مورد توجه قرار داده است. وقتی که امام پس از جنگ بصره بر یکی از یاران خود به نام علاء بن زیاد وارد می شود و خانه ی بسیار بزرگ و مجلل او را می بیند، با تعجب فراوان از او می پرسد که تو با این خانه ی بزرگ در دنیا چه می کنی و می فرماید:

خداوند بر پیشوایان حق و عدل واجب کرده که خود را با مردم ناتوان و بی بضاعت همسو کنند تا فقر و نداری، انسان تنگدست را به اعتراض و طغیان نکشاند و نظام سیاسی را با بی ثباتی رو به رو نسازد (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۹)

۴.۲ ظلم و ظلم پذیری

از نظر حضرت، ظلم پذیری می تواند بنیان های نظام های سیاسی را با مخاطرات جدی مواجه کند از دیدگاه ایشان، این امر باعث می شود تا روابط انسانی واجتماعی دچار آسیب شده و عدالت در ابعاد مختلف آن نیز دچار نقصان شود. به همین دلیل در سبک مدیریتی امام، بر پرهیز از ستم و مقابله با ستمگران تأکید جدی شده است.

در این راستا در مقام بیان بعضی از علل انقراض اقوام گذشته می فرماید: ((اما بعد، همانا آنان(حاکمان ظالم) که پیش از شما بودند، هلاک شدند، آنان حق مردم را ندادند و آنان را با رشوه خریدند و به راه باطلشان بردند و آنان نیز پیروی کردند)) (نهج البلاغه، نامه ۷۹). مبارزه با ستمگری و ستمکاری نیز در سبک مدیریتی حضرت دارای اهمیت فراوانی است حضرت علی(ع)، استبداد را عامل رکود فکری و مانع تعادل سیاسی می دانند و ترک آن را در رأس حقوق سیاسی همه انسانها قلمداد می فرمایند. حضرت، استبداد را موجب هلاکت دانسته و خطاب به زیاد بن ابیه والی فارس خاطر نشان می کنند: ((عدالت را بگستران و از ستمکاری پرهیز کن، که ستم، رعیت را به آوارگی کشاند و بیدادگری به مبارزه و شمشیر می انجامد)) (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

۵.۲ نظام های سلطه محور

امیر مؤمنان (ع) در خصوص مقابله با نظام سلطه محور توصیه می کند که قلبها را با لباس رحم به زیر دست، محبت و لطف به آنان ببوشان. نباید مثل حیوان درنده خوردن آنان را غنیمت دانست، که رعیت بر دو گروهند: یا برادر دینی تو هستند، یا انسانهایی مانند تو، که خطاهایی از

آنان سر می‌زند، علل گناهی بر آنان عارض می‌شود و گناهانی از آنان به عمد یا اشتباه بروز می‌کند، پس همان گونه که علاقه داری خداوند بخشش و چشم پوشی را به تو عنایت نماید رعیت را مورد عفو قرار بده، چرا که تو از نظر قدرت برتر از آنانی، و آن که بر تو ولایت دارد بالاتر از تو می‌باشد، و خداوند برتر از آن کسی که تو را والی مصر نموده، خداوند کفایت امور رعیت را از تو خواسته، و به خاطر آنان تو را در عرصه آزمایش قرار داده، خود را در موقف جنگ با خدا قرار مده، که تو را تحمل کیفر او نیست، و از عفو و رحمتش بی‌نیاز نمی‌باشی (نامه/۵۳)

امام علی (ع) معتقد است که ظلم و ستم حاکم، فساد و بی‌عدالتی را در جامعه افزایش می‌دهد و روابط مردم و حاکمان را کاهش می‌دهد. از دیدگاه امیر مادامی که جامعه و نظام‌های سیاسی سلطه محور باشند و خود کامگی را پیشه خود سازند، آن جامعه راه سعادت را طی نخواهد کرد (کاشانی، ۱۳۸۴: ۵) حضرت امیر با توجه به عواقب منفی مردم و مسلمانان در نظام‌های سیاسی سلطه محور، همواره سعی داشته است تا در سبک مدیریتی خود با انتقاد از زمامداران خودکامه، راه درست را به مسلمانان نشان دهد. در واقع ایشان، ستمگری حاکم را زمینه‌ای برای شقاوت و بدبختی انسان می‌داند.

۶.۲ استفاده از قدرت و زور نسبت به گروه‌های سیاسی

امام (ع) مایل به جنگ با دشمن نبودند و اگر چاره‌ای جز مبارزه با دشمن نداشتند، آغازگر جنگ نمی‌شدند. به لشکریان خود در صفین پیش از روبرو شدن با دشمن نوشتند:

پیش از اینکه با شما جنگ را آغاز کنند با آنها ننگید، زیرا به لطف خدا شما دلیل دارید و بر حق هستید. این جنگ را آغاز نکردند تا آنها جنگ را آغاز کنند، دلیل دیگری به سود شما و زیان آنهاست. هنگامی که به یاری خدا شکست آنان آغاز شد، فراری را نکشید، به کسی که تسلیم شده آسیب نرسانید، زخمی‌ها را نکشید، زنان را آزار ندهید هر چند به شما دشنام دهند و به رهبران شما بد بگویند (نامه/۱۴)

از دیدگاه حضرت (ع) باید از قبل شرایط روحی و روانی، اعتقادی، فرهنگی و اخلاقی در جامعه فراهم شود تا افراد با انگیزه‌ی درونی خود خواهان حق و حکومت اسلامی باشند و نمی‌توان با زور شمشیر افراد را مجبور به اطاعت کرد. امام خشنودی خدا را در آزادی رأی مردم می‌داند و در نامه‌ای به معاویه می‌نویسد: ((همانا شورای مسلمانان از آن مهاجرین و

انصار است، پس اگر بر امامت کسی گرد آمدند و او را امام خواندند، خوشنودی خدا هم در آن است)) (نامه ۶).

حضرت در خطاب به مالک اشتر او را به تقوای الهی سفارش می کند، و این که طاعت پروردگار را بر چیزهای دیگر برگزیند و مقدم دارد و فرامین خداوند در قرآن را از واجبات و سنت های پیروی کند. فرامین و قوانینی که هیچ کس به سعادت و رستگاری نمی رسد، مگر با پیروی از آن و هیچ کس بدبخت و شقی نمی شود، مگر با انکار یا ضایع ساختن آن (نامه ۵۳) بنابراین نتیجه حاکمیت قوانین الهی، رستگاری جامعه اسلامی خواهد بود. حضرت در مقابل خوارج که معتقد بودند کسی که گناه کبیره انجام داده، کافر و از اسلام خارج شده است، مگر این که توبه کند و دوباره مسلمان شود، به عمل پیامبر (ص) استناد می کند که بر کسی که گناهی انجام داده و بنابر حکم الهی سنگسار شده، نماز میت گزارد. یعنی او هر چند گناهکار است، ولی کافر نشده و با او مانند دیگر مسلمانان عمل می شود.

۷.۲ سلب آزادی های عمومی

از جمله مهم ترین آسیب های منابع قدرت سیاسی، سلب آزادی های عمومی و رواج رفتارهای حقارت آمیز در نظام سیاسی است. حضرت (ع) همواره مردم را از رفتارهای حقارت آمیز در برابر زمامداران اسلامی که موجب سلب خود به خودی آزادی های عمومی می شود، بر حذر داشته و در نهج البلاغه این مسأله را از آسیب های جدی منابع قدرت سیاسی تلقی می کند. و نباید برده و عبد دیگری شده، در حالی که خداوند انسان را آزاد آفریده و قرار داده است)) (نامه ۳۱).

از نظر امام، در جامعه ای که آزادی وجود نداشته باشد، پنهان کاری و حرکت به سوی مادی گرایی و همچنین دوری از خدا به عنوان آسیب های مهم شکل می گیرد. در این راستا، نظام سیاسی به جای آنکه در مسیر توسعه و حرکت به سوی تکامل معنوی قرار بگیرد، دچار شکاف شده و نمی تواند احکام و دستورات الهی در آن پیاده شود. در مقابل جدایی طلبان اظهار داشته که آنها (طلحه و زبیر) از حضرت و حکومتش ناخرسندند، و حضرت صبر می کنم و شکیبایی می ورزد مادامی که فعالیت و تدارک آنها ضرر و زیانی به اجتماع مردم نرساند)) (خطبه ۱۶۹).

حضرت علی، به کارگیری سیاست را در جهت غلبه ی نیرنگ و خودکامی بر معنویت و ارزشهای اسلامی قبول نمی کند. از دیدگاه ایشان، سیاست زمانی می تواند به پیشرفت و توسعه

ی نظام های سیاسی کمک کند که همراه با تدبیر و کاردانی بوده و در جهت پیشبرد اهداف و ارزش های اسلامی و انسانی باشد. از نظر ایشان، انسان فطرتاً مختار و آزاد آفریده شده، و آزادی جزء خصوصیت طبیعی او است. عدم وجود آزادی در نظام های سیاسی، زمینه ساز شکل گیری اختناق خواهد شد، و این یک آسیب اجتماعی است.

۳. راهبردهای مقابله با جرایم در نهج البلاغه

راهبردهای مقابله با جرایم به شرح زیر مورد بررسی قرار می گیرند:

۱.۳ ایجاد زمینه های مشارکت مردم در عرصه های اجتماعی و سیاسی فرهنگی

ایجاد زمینه های مشارکت مردم در عرصه های اجتماعی و سیاسی فرهنگی، تأمین خواسته های مشروع مردم و دفاع از حقوق اساسی و عمومی مشروع، شاخص زیر بنایی مردم گرایی را شکل می دهند. یک فرد یا یک نهاد در صورتی می تواند در ادعای مردم گرایی خویش صادق باشد که در رعایت محورهای یاد شده متعهد بوده و تلاش پر بار در گشودن فضا های متناسب ابعاد یاد شده انجام دهد. حضرت در سخنی دیگر در خصوص حضور مردم در صحنه می فرماید: ((وآن کس که از افکار و آراء گوناگون استقبال کند، حیج را از خطا خوب شناسد)) (حکمت/۱۳۷).

امام مردم را محور حکومت می داند و حکومت را در راستای تحقق ارزش های الهی و تأمین خواسته های مردم شکل می دهد. ولی امام(ع) در استقرار این ارزش هیچ گاه تحمیل را بر مردم روا نمی دانست و در پذیرش حکومت، رضایت مردم را زمینه ساز اساسی می دانست. بدین سبب بر مشارکت و بیعت مردم با حکومت اهتمام می ورزید که حکومت ولو حق مدار باشد اگر مردم خواهان آن نباشند و در آن مشارکت نداشته باشند، مستقر و پایدار نخواهد شد. بدین جهت بر رضایت و مشارکت مردم با فشاری دارد(علوی تبار، ۱۳۸۱: ۱۶۵)

۲.۳ تحقق عدالت اجتماعی

وجود عدالت اجتماعی در جامعه در راهبردهای امام علی در جهت مقابله با جرم از اهمیت زیادی برخوردار است. در این زمینه می توان به این خطبه اشاره نمود: ابن عباس در دوران خلافت بر آن حضرت وارد می شود در حالی که با دست خودش کفش خویش را پینه می زد،

از ابن عباس پرسید: قیمت این کفش چقدر است؟ ابن عباس گفت هیچ، امام فرمود: ارزش این کفش کهنه در نظر من از حکومت و امارت بر شما بیشتر است، مگر آن که به وسیله آن عدالتی را اجرا کنم، حقی را به ذی حقی برسانم، یا باطلی را از میان بردارم)) (خطبه/۳۳). از آن حضرت سؤال کردند که آیا عدالت شریف تر است یا بخشندگی؟ در پاسخ اظهار داشت که عدالت کارها را در جای خود قرار می دهد و بخشش، آن ها را از مسیرشان خارج می سازد. عدالت تدبیر کننده ای است به سود همگان و بخشش به سود خاصگان. بنابراین این عدالت شریفتر و برتر است (حکمت/۴۳۷).

از نظر حضرت، عدالت به عنوان یک منبع قدرت، اصلی است که می تواند تعادل اجتماع را حفظ کند و همه را راضی نگه دارد، به پیکر اجتماع، سلامت و به روح اجتماع آرامش دهد (شریفی، ۱۳۸۹: ۹۶). عثمان در دوران خلافتش، قسمتی از اموال عمومی مسلمین در اختیار خویشاوندان و نزدیکانش قرار داد. بعد از عثمان زمانی که حضرت حکومت را بدست گرفت، از آن حضرت خواستند که عطف به ما سبق نکند و کاری به گذشته نداشته باشد. حضرت سوگند یاد می کند که هر کجا بیت المال تاراج شده را بیابد به صاحبان اصلی آن باز می گرداند، گرچه با آن ازدواج کرده باشند، یا کنیزانی خریده شده باشد، زیرا در عدالت گشایش برای عموم است و آن کس که عدالت بر او گران آید، تحمل ستم برای او سخت تر است (خطبه/۱۵).

امام (ع) بر این باور بود که عدالت نباید فدای مصلحت شود از بین بردن عدالت از دیدگاه ایشان زمینه ساز شکل گیری جرم های گسترده در جامعه می شود. زمانی که حکومت را به دست می گیرد با تبعیض، باندبازی، امتیاز دادن و... مخالفت می کند به امام گفتند که مردم به دنیا دل بسته اند، معاویه با هدایا و پول های فراوان آنها را جذب می کند، شما هم از اموال عمومی به اشراف عرب و بزرگان قریش ببخش و از تقسیم مساوی بیت المال دست بردار تا به تو گرایش پیدا کنند. در جواب اظهار داشته که آیا به من دستور می دهید برای پیروزی خود از جور و ستم درباره امت اسلامی که بر آنها ولایت دارم استفاده کنم؟ به خدا سوگند، تا عمر دارم و شب و روز برقرار است، هرگز چنین کاری نخواهم کرد. اگر این اموال از خودم بود، به گونه ای مساوی در میان مردم تقسیم می کردم تا چه رسد که جزو اموال خداست (خطبه/۱۲۶). از نظر امام علی (ع) برقراری عدل و عدالت در جامعه یک تکلیف و وظیفه الهی است و اساس قوام و استمرار حکومت ها در رعایت عدالت توسط حاکمان آنها می باشد. وی یکی از واجبات فردی و اجتماعی را رعایت عدل و عدالت توسط افراد در جامعه می داند و

مقابله با بی عدالتی و ظلم در جامعه را یکی از مصادر نهی از منکر تلقی می نماید. بنابراین، برقراری عدالت اجتماعی در همه ابعاد آن یکی از اصول مهم و با اهمیتی است که علی(ع) در حکومت اسلامی هم در تئوری و هم در عمل به آن توجه داشته است (مولایی، ۱۳۸۸: ۶).

۳.۳ تشکیل نظام سیاسی مردم سالاری بر مبنای التزام دینی

حکومت و نظام پاسخ گوست و موظف است هم امکان سؤال و استیضاح را فراهم آورد، هم نسبت به آن احساس تعهد و مسؤولیت کند و متعهدانه پاسخ گو باشد اصولاً احساس پاسخ گو بودن در مقابل مردم، حکومت ها را از ورود به کژراهه ها و غلطی‌ها در دیکتاتوری و استبداد باز می دارد این که جزو اصول اعتقادی ما مسلمانان توجه به ضرورت پاسخ گویی از اعمال در روز جزاست و معتقدیم یک روز باید در درگاه الهی در قبال آن چه کرده ایم پاسخ گو باشیم و از همه ما سؤال خواهد شد، حکمتی دارد و آن این است که انسان را مسؤول می سازد و انسانی که در برابر خداوند خود را مسؤول و پاسخ گو احساس کند، سعی در اصلاح رفتار و حرکت در مسیر صواب خواهد کرد (رضوانی، ۱۳۸۹: ۳۴-۳۵) به نظر حضرت اگر رعیت بر تو گمان ستم برد، عذر خواهی را آشکار با آنان در میان بگذار و با این کار آنان را از بدگمانی شان خارج ساز، که بدین رفتار خود را به عدالت، خوی و عادت می دهی و با عذری که می آوری، به آن چه می خواهی می رسی و آنان را نیز به حق استوار می سازی)) (نامه/۵۳).

از آن جا که قدرت سیاسی می تواند به فساد، دیکتاتوری و استبداد از سوی حاکمان بیانجامد، مسأله نظارت بر کار حکومت از مهم ترین مسائل و در عین حال پیچیده ترین امور در نظام های سیاسی گذشته و حال بوده است و حتی مسأله تفکیک قوا که در نظام های جمهوری مورد پذیرش قرار گرفته و مبنای تقسیم وظایف حکومت است، به عنوان یک ساز و کار نظارتی مورد توجه قرار می گیرد. همچنین قوانین اساسی کشورها به اشکال مختلف تلاش دارند که از یک سو، راه را بر بروز خود کامگی سد کنند و از سوی دیگر، راه التزام حکومت ها به انجام وظایفشان را هموار نمایند. آرمان مطلوب اسلامی چنین است که انسانها در سایه توجه به خدا و واقعیت روز جزا و این که خداوند شاهد و ناظر بر اعمال ماست، نوعی کنترل درونی را تجربه کنند که البته بهترین شکل نظارت با ویژگی های خاص آن همین است اما به عنوان راهکار عملی به ویژه در عرصه ی مسائل سیاسی و حکومتی قابل قبول نیست که به صرف اعتماد به مدیران و حاکمان و این که آنان مسلمانند و ه روز جزا اعتقاد دارند، هیچ گونه نظارتی بر عملکرد آنان اعمال نشود از مهم ترین راهکارهای عملی نظارت بر عملکرد

حکومت و حاکمان، نظارت خود مردم به عنوان صاحبان اصلی حکومت است (حق شناس، ۱۳۸۷: ۹۶) شفاف سازی مواضع، برنامه ها و عملکردهای یک دولت و نظام اسلامی کمک بسیار مؤثری در پیشبرد مقاصد آن و جلب پشتیبانی مردم از نظام خواهد بود. نکته قابل توجه آن است که پاسخ گو بودن رهبران و دیران در یک نظام اسلامی در مقابل مردم و پذیرش انتقادات و سؤالات آنان، تعارضی با پاسخ گویی آنان در مقابل خداوند و روز قیامت ندارد، بلکه در راستا و در تکمیل آن تحلیل می شود. قطعاً کسانی که به دلیل اعتقادات دینی و آموزه های اسلامی در برابر کوچک ترین عملکرد خود، احساس مسؤولیت در برابر خدا دارند، هرگز از پذیرش سؤال و استیضاح مردم شانه خالی نمی کنند؛ زیرا پاسخ گویی به سؤال مردم به مراتب سهل تر از پاسخ گویی در مقابل خداست، و کسی که آماده ی پاسخ گویی در مقابل خداست، در مقام پاسخ گویی به مردم آماده تر است.

امام علی در این رابطه می فرماید: ((خیر خواهی و نصیحت گری آنان (مردم برای حکومت) جز با احاطه و اشراف آنان بر حاکمان و این که دوام حکومت آنان را سنگین نشمارند و گفت و گو از دیر ماندن آنان بر سرکار را واگذارند، راست نیاید)) (نامه ۵۳) یک نظام مردم سالار در حقیقت نظامی است که برای مردم حق سؤال و استیضاح از عملکرد و برنامه های خود را با استفاده از سازوکارهای مناسب قائل باشد. از دیدگاه امام (ع) تشکیل حکومتی که در آن مردم نقش محوری دارند و احکام و اصول اسلامی در آن جاری است علاوه بر این زمینه ساز نابودی استبداد و دیکتاتوری می شود، روابط حاکمان و مردم را نیز بهبود می بخشد و توجه مردمان و زمامداران بیشتر به خدا و اصول الهی جلب می شود. به همین دلیل، در مقوله ی مدیریت از دیدگاه امام علی، تشکل حکومت مردم سالاری دینی بر مبنای شعور سیاسی اهمیت ویژه ای پیدا می کند.

۴.۳ قانون و نهادهای مدنی و ترغیب به رعایت قوانین شرعی

در این راستا، امام علی (ع) در باب وجوب وجود حاکمی که باید نظام اجتماعی در سایه ی او شکل بگیرد و سامان یابد، اظهار می دارد که مردم به زمام دار نیک یا بد نیازمندند تا مؤمنان در سایه ی حکومت، به کار مشغول و کافران هم بهره مند شوند و مردم در پناه استقرار حکومت زندگی کنند. به وسیله ی حکومت، بیت المال جمع آوری می گردد و به کمک آن می توان با دشمنان مبارزه کرد. جاده ها امن و حق ضعیفان از نیرومندان گرفته می شود. نیکوکاران در رفاه و از دست بدکاران در امان هستند (خطبه ۴۰) اما درباره ی این که چه کسی می تواند حاکم

باشد و در خصوص منشأ و چگونگی مجموعه قوانینی که بر اساس آن جامعه اداره می‌شود معتقدند؛ قانونی که می‌تواند جامعه را در کمال عدل کند، قانون شرع است، لذا خواستار محوریت آن در اداره جامعه هستند و در مورد قانون‌گرایی خویش می‌فرمایند: ((چون کار حکومت به من رسید، به کتاب خدا و آن چه برای ما مقرر داشته و ما را به آن حکم کرده است نگریم و از آن پیروی کردم و به سستی که رسول خدا (ص) (نهاده است رفتیم)) (خطبه/۲۰۵) محور بودن قانون به عنوان یکی از منابع مهم قدرت سیاسی در تمامی شئون برای نظام‌های سیاسی از اهمیت زیادی برخوردار است. بدون وجود این مهم، نظام‌های سیاسی نمی‌توانند در راه رسیدن به کار ویژه‌های خود موفق باشند. از جمله مهم‌ترین روش‌های محوریت قانون به عنوان یکی از اصلی‌ترین منابع قدرت سیاسی به این مساله برمی‌گردد که مردم و مسئولان برای ایجاد نظم و هماهنگی بیشتر در امور به رعایت قانون و احکام الهی ترغیب شوند. حضرت امیر در این باره می‌فرماید:

همانا خدواند واجباتی را بر شما لازم شمرده است، آنها را تباه نکنید، حدودی برای شما معین فرموده است، از آنها تجاوز نکنید، از چیزهایی نهی فرموده، حرمت آنها را نگه دارید و درباره‌ی چیزهایی سکوت فرموده، نه از روی فراموشی، پس خود را درباره‌ی آنها به زحمت ورنج نیندازید (حکمت/۱۰۲)

تأکید بر محوریت قانون در نهج البلاغه نقش پرنگی دارد، از دیدگاه امام علی(ع)، وجود قانون برای نظام سیاسی ضرورت دارد و افراد یک جامعه باید در رفتار و کردارشان حدود و مرزهایی را رعایت کنند تا همه بتوانند به نحو مطلوب و شایسته از زندگی بهره‌های مادی و معنوی ببرگیرند. اگر مرزها و حدود در هم بریزد و قانون حاکم نباشد، امعه به هدف خود نخواهد رسید.

۵.۳ اعمال نظارت

در خصوص نظارت بر اعمال کارگزاران و عمال حکومت به نظر امام(ع) اعمال آنها را باید زیر نظر گرفت و ناظرانی از افراد صادق و وفادار بر آنان گماشت، زیرا مراقبت پنهانی از اعمالشان آنها را وادار به رعایت امانت و مدارا با مردم می‌کند (نامه/۵۳)

در نهج البلاغه، این دو تضاد و منافاتی با هم ندارند، چرا که نظارت، تنها جست‌وجو برای دستیابی به نقاط ضعف و کاستی‌های کارکنان سازمان نیست. بلکه در نظارت هم باید به دنبال

نقاط قوت و توانایی های افراد بود و هم به دنبال نقاط ضعف و کاستی های آنان، زیرا شناخت نقاط مثبت و استعدادها و توانایی های افراد نقش به سزایی در بالا بردن کارایی سازمان و همچنین تقویت منابع قدرت سیاسی دارد و مدیریت سازمان با توجه به توانایی های شناخته شده افراد می تواند تصمیمات معقول و صحیح تری در مورد کارکنان سازمان و نقش های سازمانی آن ها بگیرد. این امر، هم کارایی و موفقیت سازمان را به دنبال خواهد داشت و هم به رشد و تکامل و پیشرفت کارکنان سازمان کمک خواهد کرد (رضوانی، ۱۳۸۹: ۲۷)

از دیدگاه امیر مؤمنان، از ضرورت ها در موفقیت برنامه های نظام سیاسی وجود یک نظام دقیق نظارتی است. از نظر وی و در نهج البلاغه چنین استنباط می شود که انجام فعالیت های مختلف در نظام های سیاسی با موفقیت نخواهد بود، مگر آن که نظارت و بازرسی های لازم نسبت به آن صورت گیرد. وجود یک نظام نظارتی در نظام سیاسی از دیدگاه امیر المؤمنین، مدیریت و دستگاه حاکم را نسبت به نحوه تحقق هدف ها و انجام عملیات آگاه ساخته و او را قادر می سازد که پیگیری های لازم را انجام دهد. نتیجه این امر هم خود یک منبع قدرت است و هم موج تقویت و سلامت سایر منابع قدرت سیاسی خواهد بود.

۶.۳ رابطه دو طرفه امام و امت به عنوان دو رکن نظام سیاسی و رعایت حقوق طرفین

به نظر امام (ع) حاکمان دارای حقوقی هستند که مردم ملزم به رعایت آنها می باشند، که دامنه ی حق در گفتار، از هر چیزی گسترده تر و در کردار به انصاف، عرصه ی آن از هر چیزی تنگتر است. هیچکس حقی نمی تواند داشت مگر اینکه وظیفه ای برای او پدید آید، و بر هیچکس وظیفه ای نمی توان دانست مگر اینکه حقی پیدا کند، و اگر حقی بی وظیفه برای کسی باشد خاص خدای متعال است که آفریدگانش چنین حقی بر او ندارند، و این به سبب قدرت اوست که بر بندگانش دارد، و عدالت او در هر امری که قضایش بدان تعلق می گیرد. خداوند حق خویش را بر بندگانش این قرار داده است که فرمان پذیر او باشند، و در برابر، آنان را از فضل و احسان خود به پاداش، ثوابی دو چندان خواهد داد (خطبه ۲۱۶).

از اینجا دانسته می شود که حقوق حاکم امتیاز ویژه ای نیست که حکومت به وی بخشیده باشد، زیرا به نظر امام (ع) زمامداری هرگز حق شخصی برای حاکم پدید نمی آورد. در نگرش سیاسی و اجتماعی امام علی در نهج البلاغه، یکی از مهم ترین مواردی که به وضوح مشاهده

می شود و می توان آن را در راستای تقویت قدرت سیاسی ارزیابی کرد، رعایت حقوق متقابل مردم و حاکمان است. وی در این باره می فرماید:

ای مردم، مرا بر شما و شما را بر من حقی واجب شده است. حق شما بر من آن است که از خیرخواهی شما دریغ نورزم، بیت المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم. شما را آموزش دهم تا بی سواد و نادان نباشید و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید و اما حق من بر شما این که به بیعت من وفادار باشید و در آشکار و نهان برایم خیر خواهی کنید، هرگاه شما را خواندم اجابت کنید و هرگاه فرمان دادم اطاعت نمایید (خطبه/۳۴)

بنابر این، رعایت حقوق متقابل مردم و حاکمان زمینه ساز افزایش وحدت، شکل گیری قانون مداری و تقویت منابع قدرت سیاسی می شود، به همین دلیل، در نظام سیاسی دوران وی، تأکید زیادی بر این امر صورت گرفت. رعایت حقوق متقابل امام و امت از این نظر منبع قدرت سیاسی است که فاصله ی کاذب و احیاناً مستکبرانه ی بین حاکم و مردم را از بین برده و تبدیل به مسولیت و اعتماد اجتماعی می کند و در راستای تحقق اهداف سیاسی، نفوذ امام را بسیار بیشتر و مردم را منقاد او می کند و این خود نوعی قدرت نرم و جهت دهنده است. و با فضیلت ترین بندگان خدا نزد خداوند امام و پیشوای دادگر است که خود هدایت یافته است و دیگران را به راه راست رهنمون است. سنت شناخته شده ای را به پا می دارد و بدعت زشت و منکری را از بین می برد.

۷.۳ تقویت تکنیک های ارتباط دینی

یکی از تکنیک های ارتباط دینی، تقوا است اهمیت این مهم در زندگی دنیوی و اخروی باعث شده است تا این امر به عنوان یکی از منابع در نهج البلاغه شناخته شود. امیر مؤمنان علی(ع) بارها مکتب انبیا را راه علاج بیماری دل معرفی می کند و تقوا را سر لوحه ی همه آنها می شناساند که تقوای الهی داروی بیماری دل ها، روشنایی قلب ها و درمان درد بدن ها و اصلاح آلودگی سینه ها و پاک کننده پلیدی های ارواح و روشنایی بخش تاریکی چشم ها و امنیت در نا آرامی ها و روشن کننده تاریکی های شماسست (خطبه/۱۹۸).

به نظر امام(ع)، تکنیک های ارتباط دینی زمانی مفیدند که همه جنبه های فردی و اجتماعی انسان را در پرتو دیدگاه متعالی توحیدی مورد توجه قرار دهند و در عین حال با نگاه آخرت گرایانه و ژرف، برای تأمین سعادت معنوی و اخروی انسان ها به دنیا و زندگی اجتماعی و

ضرورت های آن توجه کامل داشته باشند و همزمان روح و بدن، جسم و جان، ظاهر و باطن، دنیا و آخرت، ماده و معنا و همه لایه ها، مراحل، لوازم و زمینه های رشد و تعالی انسان را برای رسیدن به کمال مطلوب در نظر بگیرند (ذی علم، ۱۳۷۹: ۴۰). بنابراین، تکنیک های ارتباط دینی از جمله تقوا، محبوبیت، اخلاص و ... به عنوان یک پایگاه قدرت سیاسی، نقش عظیمی در زندگی علمی و اجتماعی بشر دارد و زمینه ساز حرکت به سوی کمال خواهد بود. در این راستا، تأکید ایشان بر تقویت این تکنیک ها و پرهیز از مسائلی است که این مهم (تکنیک های اخلاقی) را از تأثیر گذاری بر انسان باز می دارد. امام علی (ع) این مهم را به عنوان یکی از منابع قدرت معرفی می کند. در این ارتباط، امام علی (ع) می فرماید: ((ای مالک! آداب و رسوم پسندیده ای را که پیشوایان این امت به آن عمل کرده اند و ملت اسلام با آن انس و الفت گرفته است و امور مردم به وسیله آنها اصلاح می گردد، به نابدی نکشان)) (نامه ۵۳) در نهج البلاغه آداب و رسوم هر جامعه ای که یکی از پایه های قدرت شمرده می شود، همانند قالبی است که رفتارها را شکل می دهد. آدمیان، هنگامی که ملزم به رعایت هنجارهای اجتماعی (در قالب قوانین و سنن جلوه می کنند) باشند، در پرتو این آداب و رسوم، ساخته و ویرایش شده و مسیر سعادت خویش را بهتر می پیمایند؛ چنان که ناهنجاری های جامعه اگر به صورت سنت های ناپسند درآیند، اجتماع را از هم پاشیده و آن را به ورطه ی هلاکت می افکنند.

۸.۳ ارائه راهبردهای فرهنگی در راستای به کارگیری منابع قدرت

ایجاد زمینه های مشارکت مردم در عرصه های اجتماعی و سیاسی فرهنگی، تأمین خواسته های مشروع مردم و دفاع از حقوق اساسی و عمومی مشروع، شاخص زیر بنایی مردم گرایی را شکل می دهند. یک فرد یا یک نهاد در صورتی می تواند در ادعای مردم گرایی خویش صادق باشد که در رعایت محورهای یاد شده متعهد بوده و تلاش پر بار در گشودن فضاهای متناسب ابعاد یاد شده انجام دهد. حضرت در سخنی دیگر در خصوص حضور مردم در صحنه می فرماید: ((و آن کس که از افکار و راء گوناگون استقبال کند، صحیح را از خطا خوب شناسد)) (حکمت/۱۷۳) امام مردم را محور حکومت می داند و حکومت را در راستای تحقق ارزش های الهی و تأمین خواسته های مردم شکل می دهد ولی امام (ع) در استقرار این ارزش هیچ گاه تحمیل را بر مردم روا نمی دانست و در پذیرش حکومت، رضایت مردم را زمینه ساز اساسی می دانست. بدین سبب بر مشارکت و بیعت مردم با حکومت اهتمام می ورزید که حکومت ولو حق مدار باشد اگر مردم خواهان آن نباشند و ر آن مشارکت نداشته باشند، مستقر

وپایدار نخواهد شد. بدین جهت بر رضایت و مشارکت مردم با فشاری دارد (علوی تبار، ۱۳۸۱ : ۱۶۵)

۹.۳ جلب اعتماد ملی

در نهج البلاغه توصیه امام علی (ع) به تلاش برای جلب رضایت عوام تا خواص را ببینیم، باید از کارها آن را پیش تر دوست بداری که نه از حق بگذرد و نه فرو ماند و عدالت را فراگیرتر و رعیت را دلپیرتر باشد (نامه ۵۳) در این بخش از پیام خود به جلب رضایت عموم، سیاهی ملت و گسترش عدالت ارزش داده است و اینکه ملاک در محبوبیت، میانه روی در حق است و پس و زمامدار باید توجه داشته باشد آن چه رضایت عموم را سبب می گردد، مقدم است بر آن چه رضایت خواص و بستگان را در بر می گیرد؛ زیرا رضایت خواص در صورت خشم و غضب ملت ناچیز است و به کار نمی آید و نمی تواند مدافع از کیان زمامدار باشد، به خلاف رضایت عموم و ملت و چنان چه در این صورت خشم و غضب خواص عارض گردد، به جایی صدمه نمی زند و توانایی کاری را ندارد؛ چون غضب خواص در برابر رضایت ملت و عموم ناچیز است. پس ملاک، به دست آوردن رضایت مردم و عموم ملت است نه رضایت و بستگان و زمامدار زمانی عدالت را محقق نموده و گسترش داده است که عامه ی مردم از او راضی باشند چه خواص راضی باشند یا نه (ایبانه، ۱۳۸۹ : ۸۶)

از دیدگاه حضرت، رضایت حقیقی با عنایت سنخیت دارد و در برآورده ساختن منویات دنیوی جامعه خلاصه نمی شود. رضایت حاصل القا و جریان دادن نگاه خوش بینانه به خداوند است به همین دلیل آثاری که برخاسته از عدالت هستند، همچون نظام درست و مناسب تشویق و توییح و یا حفظ روش و سنت های پسندیده گذشته و یا بهره نگرفتن از افراد بد سابقه و بد نام و امثال آن در نظر علی (ع) بسیار مهم تلقی می شوند؛ چون در حاصل شدن رضایت نقش اساسی دارند (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۷ : ۶۷) از دیدگاه امیر مؤمنان، رضایت و اعتماد افراد غالباً در به کارگیری صحیح آن ها در امور حکومتی حاصل می شود. عنصر به کارگیری مهره ها، مؤلفه ای مهم در اعمال و کارآمدی حکومت محسوب می شود. پس نحوه ی انتخاب و چینش مهره ها عامل مهمی در تشدید یا تضعیف عنصر رضایت و تبع نفوذ حاکمیت است .

۴. نتیجه گیری

از مباحثی که مورد بررسی قرار گرفت نتایج زیر به دست آمده:

۱. راهکارهای مقابله با جرایم در هج البلاغه عبارتند از: جلب اعتماد ملی، ساماندهی استعداد های اجتماعی در راستای تقویت اجتماعی، ارتقای کرامت انسان و اخلاق اجتماعی، ارائه نقشه راه در راستای اهداف آرمانی، ترغیب به رعایت قوانین و نظم و احکام شرعی، پرهیز از امتیاز دهی و امتیاز خواهی و رشوه خواری، اعمال نظارت، رعایت حقوق متقابل امام و امت، تقویت تکنیک های ارتباط دینی، ارائه راهکارهای فرهنگی در راستای به کار گیری منابع قدرت و مبارزه با مفساد اقتصادی، تحقق عدالت اجتماعی و تشکیل نظام سیاسی مردم سالاری بر مبنای التزام دینی.

۲. حکومت از نظر امیر المؤمنین در نهج البلاغه با اینکه یک ضرورت است، یک وسیله نیز می باشد، ارزش آن تنها در صورتی است که وسیله ی اجرای عدالت و احقاق حقوق مردم باشد، بنابراین حاکم باید شرایطی خاصی را داشته باشد که بدون این شرایط نمی تواند به عنوان حاکم اسلامی امور جامعه را به دست گیرد.

۳. علل وموجبات جرایم سیاسی از منظر نهج البلاغه عبارتند از: سلب آزادیهای عمومی، استفاده از قدرت تنبیه و زور و سرکوب نسبت به گروه های سیاسی که قصد براندازی نظام اسلامی نداشته باشند، نظام های سلطه محور، ظلم و ظلم پذیری، عدم رعایت حقوق مردم، تضعیف اخلاق فردی و اجتماعی، چاپلوسی و تملق، و فتنه گری.

۴. هر یک از نهادهای اجتماعی را به عنوان مجموعه ای از حقوق، انتظارات و تکالیف افراد نسبت به یکدیگر می توان نامید که به نوبه ی خود نظام نقش های اجتماعی را تشکیل دهند؛ مانند حقوق مردم بر رهبر و یا حکومت و حقوق حکومت و رهبر بر مردم و متناسب با آن، شکل گیری نقش مردمی و رهبری یا نقش رئیس دولت و حکومت در درون نهاد حکومت و سیاست پر واضح است که برای این منظور نیاز به وسایل و ابزار و امکانات فراوانی است که باید در جامعه فراهم گردد و یکی از ضروری ترین آنها برنامه ریزی و تشکیلات اجرایی و دستگاههای حکومتی است.

کتاب‌نامه

- نهج البلاغه.
- ایبانه، فاطمه. (1389). «سیاست در اندیشه امام علی». ماهنامه مشکوه، دوره جدید، شماره 3، 86-96.
- امام خمینی، سید روح الله. (بی تا). تحریر الوسیله، قم، انتشارات قدس محمدی.
- باباپور گل افشانی، محمد مهدی. (1385). درآمدی بر سیاست و حکومت در نهج البلاغه. تهران: نشر مبلغ.
- بهشتی نیا، احمد. (1383). «ولایتمداری و انواع آن در نهج البلاغه». ماهنامه حصون، سال دوم، شماره 7، 26.
- تویسرکانی، مجتبی. (1379). «حقوق و سیاست در نهج البلاغه». فصلنامه جامعه مدرسین، سال سوم، شماره 13، 14.
- جعفر پیشه، محمد. (1385). «پشتوانه اخلاق سیاسی در نهج البلاغه». ماهنامه رضوان، سال سوم، شماره 25، 41.
- حق شناس، محمدرضا. (1387). جامعه شناسی مدرن در نهج البلاغه. تهران: نشر کیمیا.
- دلشاد تهرانی، مصطفی. (1387). تفسیر موضوعی نهج البلاغه. قم: نشر معارف.
- ذی علم، علی اکبر. (1379). مدیریت بر اساس الگوی امام علی. تهران: علوم نوین.
- رضوانی، علی. (1389). درسهایی از نهج البلاغه. تهران: نشر اندیشه.
- شریفی، عبدالرضا. (1389). «آسیب شناسی جامعه و حکومت اسلامی از دیدگاه نهج البلاغه». ماهنامه رضوان، سال دوم، شماره 19، 96.
- صادقی، فرهاد. (1385). پرتویی از نهج البلاغه. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- عالمیان، سمیه. (1385). «مؤلفه های نظام حق و تکلیف در نهج البلاغه». فصلنامه اندیشه. سال سوم، شماره 2، 5.
- علوی تبار، محمد. (1381). سیاست و حکومت در اندیشه امام علی. تهران: نشر آشیان.
- عوده، عبدالقادر. (1402). لتشریح الجنائی، طهران، مؤسسه البعثه.
- فیومی، احمد بن. (1347). المصباح المنیر، القاهرة، دار العصور.
- کاشانی، مرتضی. (1384). «بررسی ویژگیهای شخصیتی مدیران در نهج البلاغه». فصلنامه مطالعاتی علوم انسانی و دینی، سال دوم، شماره 3، 5.
- مولایی، سید علی. (1388). «آسیب شناسی حکومت دینی از دیدگاه نهج البلاغه». فصلنامه معارف، سال سوم، شماره 11، 6.
- نائینی، ابو القاسم. (1387). «اخلاق و نظم اجتماعی، سیاسی در نهج البلاغه». ماهنامه ظهور، سال پنجم، شماره 54، 124-125.
- ولیدی، حسین. (1372). جرم و مبانی جرم شناسی. قم: نشر معارف.